

به مناسبت یازدهمین سالگرد تشکیل حزب کمونیست کارگری ایران

حزب کمونیست کارگری تضمین کننده آزادی و برابری در ایران است!

E-mil: iranps.waisi@pp.inet.fi

اسماعیل ویسی

Tele: (358) 050 35 73 564

نوامبر ۲۰۰۲

حزب کمونیست کارگری ایران یازده سال قبل در تاریخ ۳۰ نوامبر ۱۹۹۱ تحت رهبری فکری، نظری و سیاسی منصور حکمت، این سمبل پر شور انسانیت، آزادی و برابری و رهبر مارکسیست و کمونیست در طول بیشتر از دو دهه در ایران و منطقه جهت دخالتگری سیاسی، سازماندهی و رهبری جنبش سرنگونی طلبی و تضمین و تامین کننده حضور سیاسی مستقل کمونیسم و یکی از ارکان اصلی مدعی قدرت در معادلات قدرت سیاسی در هر گونه تغییر و تحولات سیاسی و اجتماعی در جامعه ایران بعد از سرنگونی حکومت اسلامی در ایران، تشکیل و اعلام موجودیت نمود.

اما متأسفانه امسال این نماد پر شور و پرچم دار انسانیت، آزادی و برابری، متفکر عظیم و رهبر سیاسی و سیاستمدار انقلابی کمونیست در میان ما حضور ندارد. که بدون شک باعث غم و اندوه بیکرانی است.

جای خود دارد که باز در مراسمهای برگزاری گرامیداشت حزب، به نشانه احترام به این انسان بزرگ و رهبر سیاسی و مارکسیستی هرگز فراموش نشدنی، و جایگاه والای انسانی اش کلاه از سر برداشته و دو بار سر تکریم فرود آورد! یادش همیشه گرامی و راهش بردوام باد!

حزب کمونیست کارگری ایران در اوج نعره بورژوازی جهانی و افسار کسبختگی ریگانیسم و تاجریسم و حمله به مارکس و لنین و هر گونه ایده و مطالبه آزادیخواهی، برابری طلبی و عدالت خواهی اجتماعی انسانها بوجود آمد.

حزب کمونیست کارگری در شرایط و اوضاع و احوالی تشکیل و اعلام موجودیت نمود که در سطح جهانی و منطقه و ایران، انواع گرایشات ملی که تا آن زمان زیر چتر بلوکها و مکاتب سوسیالیسم بورژوائی هويت خود را تعريف میکردند، با رسانه های جمعی سرمایه داری جهانی همدم شده و پایان سوسیالیسم بورژوازی را پایان کمونیسم و سوسیالیسم اعلام می نمودند و ندا سر میدادند که دور دور دموکراسی و ملی خواهی " ناسیونالیسم " است و هر چه هست همین است و بس! و کاسه بدست جهت سهم خواهی از سرمایه داری جهانی در وصف دموکراسی به مشاعره پرداخته بودند. و در مبانی عقیدتی و سیاسی تا آزمانی خود تحت لوای به اصطلاح " باز اندیشی " پرداخته بودند که در واقع روپوشی از نزاکت و ادب سیاسی در امر نادم شدنشان از گذشته شان

بود و میکوشیدند که گرایش چپ تا آن دوران خود را رفیق تر و دموکراتیزه تر بنمایند و تا آنجایی که برایشان ممکن بود به راست چرخش نمودند و به اصل جنبشی که هیچگونه ربطی به مارکسیسم، کمونیسم و کارگر نداشت و بدان متعلق بودند، رجوع و ملحق شدند!

تئوریهای من درآوردی را در رد و نفی فعالیت سازمانیافته و متشکل حزبی رواج و سر داده میشد و اعلام مینمودند که دوره حزب و حزیت نیست و فعالیت حزبی را تشکیلاتچی گری و سکتاریسم اسم می بردند و اینها نقد سکتاریسم خود و بی ربطی شان با کمونیسم و طبقه کارگر را بعنوان انتقاد از سکتاریسم کمونیستها اعلام کردند.

در متن چنین اوضاع و احوالی بود که حزب کمونیست کارگری ایران چون سازمانی انقلابی مارکسیستی و کمونیستی مصرانه و باصراحت اعلام نمود که برای سرنگونی نظام و مناسبات تولیدی و اجتماعی سرمایه داری جهانی " لغوکار مزدی و مالکیت خصوصی بر ابزار و وسایل تولید " و سازماندهی انقلاب اجتماعی و بنیان نهادن جامعه کمونیستی که انسان در آن زندگی شایسته انسانی را داشته باشد، تشکیل و اعلام موجودیت نمود. و در رد و نقد عملی آن تئوری بافیهای پوچ و بی اساس، مصرانه و قاطعانه بر فعالیت متشکل و حزب و حزیت پای فشرده و در راستای جهت و سنتهای سیاسی و اجتماعی مارکس همچنانکه در تزه های ۸ و ۱۱ در نقد فویرباخ میگوید:

" زندگی اجتماعی در ماهیت امر پراتیک است. کلید حل تعقلی همه آن رموزات غیبی که تئوری را به عرفان می کشاند پراتیک انسان و درک این پراتیک است. فلاسفه به انحاء مختلف جهان را تعبیر و تفسیر کرده اند ولی سخن بر سر تغییر آن است "

فعالیت طبقاتی، سیاسی و اجتماعی خود را آغاز کرد و در اطلاعیه اعلام موجودیتش اعلام نمود:

" حزب کمونیست کارگری یک حزب مارکسیستی و متعهد به سازماندهی انقلاب اجتماعی طبقه کارگر برای برچیدن نظام سرمایه داری و برپایی جامعه ای نوین مبتنی بر برابری اقتصادی و اجتماعی، آزادی سیاسی انسانها و شکوفایی خلاقیتهای مادی و معنوی بشری است.

حزب کمونیست کارگری ایران یک حزب انترناسیونالیست است و برای همبستگی بین المللی طبقه کارگر تلاش میکند. حزب کمونیست کارگری برای تحقق اهداف جهانی طبقه کارگر مبارزه میکند و دفاع از منافع کارگران جهان را وظیفه خود میدانند.

در شرایط متحول جهان امروز و در برابر هجوم فکری و سیاسی سرمایه داری جهانی به آرمان و

اندیشه سوسیالیستی، که با سقوط سوسیالیسم کاذب بلوک شوروی وارد مرحله جدیدی شده است، حزب کمونیست کارگری ایران دفاع از مارکسیسم و آرمان سوسیالیسم کارگری را یک وظیفه اساسی خود میداند و برای تقویت و گسترش جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر در سطح جهانی میکوشد. در ایران، حزب کمونیست کارگری برای تبدیل طبقه کارگر به یک نیروی قدرتمند اجتماعی و سیاسی، استقرار حکومت کارگری و تحقق برنامه اقتصادی و سیاسی سوسیالیسم کارگری مبارزه میکند. سرنگونی جمهوری اسلامی یکی از ملزومات اولیه تحقق این اهداف است."

(نقل قول از اطلاعیه اعلام موجودیت حزب کمونیست کارگری ایران ۳۰ نوامبر ۱۹۹۱)

در همان دوره منصور حکمت رهبری فکری و سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران در اولین شماره نشریه انترناسیونال منتشره در تاریخ اسفند ۱۳۷۰ " آوریل ۱۹۹۲ " در مصاحبه ای تحت عنوان " مارکسیسم و جهان امروز " در این موج پر شتاب برگشت و توبه کردن چپ سنتی و خرده بورژوا، در دفاع از مارکس و لنین بطور موجز گفت:

... مارکسیسم قبل از اینکه یک سلسله احکام و پیش بینی ها باشد. یک نقد است. نقد جامعه سرمایه داری. واضح است که این نقد خود به تحلیل اثباتی ای از بنیادهای این نظام و تناقضات درونی آن متکی است. بنظر من جدایی از مارکسیسم جدایی از حقیقت است. هزار شوروی بیاید و برود تغییری در انتقاد من بعنوان مارکسیست نسبت به جامعه موجود، تبیینی که از جامعه شایسته انسان آزاد دارم و نیروی اجتماعی ای که برای تحقق این جامعه نوین در متن جامعه فعلی سراغ میکنم داده نمیشود. مارکسیسم یک تبیین بسیار عمیق و از نظر متدولوژیک و محتوایی استوار و منسجم از جامعه سرمایه داری است. مارکسیسم انتقاد و ادعای نامه یک بخش مشخص جامعه یعنی طبقه کارگر مزدی، نسبت به مناسبات موجود است. بنظر من نه فقط تحولات امروز شوروی بلکه کل واقعیات اقتصادی و اجتماعی زمان ما، کل مشغله جهان امروز و مسائلی که در رسانه ها، آکادمی ها، و قلمروهای خود انگیزته تری نظیر هنر و ادبیات و غیره بعنوان مسائل اصلی جامعه معاصر مورد بحث قرار میگیرد هر روز بر صحت تبیین و انتقاد مارکسیستی از این جامعه تاکید میکند.

... بنظر من قرن بیستم قرن مارکسیسم و همه گیر شدن برداشتهای مارکسیستی از جهان سرمایه داری بود. بنابراین تا آنجا که به مارکسیسم بعنوان نگرشی که مدعی شناخت حقیقی جامعه است مربوط میشود، بنظر من نه فقط دلیلی برای تجدید نظر در این نگرش وجود ندارد، بلکه تحولات بین المللی اخیر صد چندان حقانیت این نگرش را ثابت کرده است.

... از نقطه نظر اندیشه و پراتیک مارکسیستی لنین مقام برجسته ای دارد. ... اهمیت لنین و سهم مشخص لنین در جنبش کمونیستی را باید در رابطه روشنی که او میان تئوری و پراتیک انقلابی برقرار میکند جستجو کرد. بنظر من لنین تجسم تمام و کمال وفاداری به تعبیر مارکس از کمونیسم بعنوان " ماتریالیسم پراتیک " است. سهم ویژه لنین درک نقش اراده انقلابی طبقه کارگر در سیر مادی جامعه سرمایه داری و درک دامنه عمل عنصر فعاله انقلاب کارگری بر زمینه عینیات اجتماعی در هر دوره است. لنین نگرش تکاملی و انفعالی حاکم به انترناسیونالیسم دوم را عقب راند و همان تعبیر فعالی را از کمونیسم بدست داد که مورد نظر مارکس است. اگر بخواهم بحثم را ساده کنم، سوسیالیسم قبل از لنین عمدتاً " ضروری بودن و اجتناب ناپذیر بودن " سوسیالیسم را از مارکس آموخته است. لنین " امکان پذیری " سوسیالیسم در این عصر را تاکید میکند و عملاً دست بکار تحقق آن میشود. درک لنین از تاریخ و از نقش پراتیک انقلابی طبقات در تحول تاریخی عمیقاً مارکسیستی است. لنین برای این پراتیک جا باز میکند و آن را سازمان میدهد.

... زیرا اولاً، عمل انقلابی برای لنین مفهومی اجتماعی و طبقاتی دارد و ثانیاً، لنین بهیچوجه از شرایط عینی و عینیات اجتماعی که دامنه پراتیک انقلابی طبقه را محدود و مشروط میکند انتزاع نمیکند.

بنظر من برای هر کس که به سوسیالیسم نه بعنوان یک ایده آل تزئینی بلکه بعنوان یک امر عاجل و عملی نگاه میکند، برای هر کس که به تحقق عملی سوسیالیسم و انقلاب کارگری فکر میکند، لینن، بعنوان یک متفکر و رهبری سیاسی همواره یک منشاء غنی آموزش و الهام خواهد بود.

(پایان نقل قول، از مارکسیسم و جهان امروز " مصاحبه منصور حکمت انترناسیونال شماره یک)

حزب کمونیست کارگری ایران در آن شرایط و اوضاع و احوال نه تنها عملاً از لحاظ سیاسی، طبقاتی و اجتماعی بلکه از لحاظ فکری و نظری هم به نقد اساسی و بنیادهای فکری و عقیدتی جنبشها و گرایشهای ارتجاعی و اجتماعی چون " دموکراسی طلبی، ملی گرایی " ناسیونالیسم و ملت و مذهب و گرایش اکونومیستی و کارگر پناهی، از دیدگاه مارکسیستی پرداخت و به پیشرویهای خود ادامه داد و سنگرهایی با اهمیتی در تثبیت و در دفاع از مارکسیسم و کمونیسم را فتح نمود و راه پیشرویهای آتی را هموارتر نمود.

آنچه روشن و مشخص است و باید با صراحت بر آن تاکید نمود این است که روز ۳۰ نوامبر ۱۹۹۱ صرفاً تاریخی تقویمی و آبستری نبوده و نخواهد بود! بلکه این روز و تاریخ نقطه عطفی بسیار مهم در تاریخ جنبش کمونیستی کارگری، مبارزه طبقاتی، و دیگر جنبشهای برابری طلبی و عدالت خواهی اجتماعی و آزادیخواهی، در سطح جهانی، منقطه خاورمیانه و ایران بوده و خواهد بود. و قعظا فعالین سیاسی مارکسیست و کمونیست و انسانهای برابری طلب و آزادیخواه همیشه از این روز فراموش ناشدنی در تاریخ فعالیت سیاسی و کمونیستی و اجتماعی خود بعنوان نقطه عطفی پر اهمیت نگاه و یاد خواهند کرد و یاد این روز و پایه گذار و رهبر سیاسی و فکریش منصور حکمت را گرامی خواهند داشت! زیرا دور و نقش و جایگاه این حزب از بدو تشکیل و آغاز فعالیتش تاکنون بر اساس متد مارکسیستی در تمامی عرصه های فعالیت خود روندی رو به پیش را داشته است و نه تنها در دفاع از مارکسیسم و کمونیسم پیشروی و سنگرهای متعددی را از لحاظ سیاسی و اجتماعی فتح کرده است. بلکه در این مدت یازده سال پیشرویهای بسیار ملموس و محسوسی را هم از لحاظ سیاسی، طبقاتی، اجتماعی و تشکیلاتی و ابعاد جغرافیای تشکیلاتی بخصوص در داخل جغرافیای سیاسی ایران و در روندهای سیاسی اجتماعی و افکار عمومی توده مردم در ایران و جنبشهای اعتراضی اجتماعی (کارگران، جوانان و زنان) نموده است و اکنون یکی از بازیگران اصلی در معادلات قدرت سیاسی در تغییر و تحولات سیاسی و اجتماعی آتی ایران می باشد که بر هر ناظر خارجی چه دوست و چه دشمن پوشیده نبوده و غیر قابل انکار می باشد!

مارکس می گوید:

فلاسفه تا کنون دنیا را تعبیر و تفسیر کرده اند در صورتیکه سخن بر سر تغییر آن است!

حزب کمونیست کارگری ایران برای دخالتگری سیاسی فعالانه بر اساس بسیج و سازماندهی

پراتیک زنده و آگاهانه و انقلابی " کارگران، زنان و جوانان " جهت تغییر جامعه موجود و برقراری حکومت کارگری تشکیل و سازماندهی گردیده است. آنچه که غیر قابل انکار است نقش و پراتیک زنده این حزب میباشد که تماما در تمامی عرصه های فعالیت در دستور، گام عملی برداشتن بطور هدفمند جهت مادیت بخشیدن به این تغییر ایده آل انسانی و تامین حضور مستقل سیاسی کمونیسم و کارگر در معادلات قدرت سیاسی در روند سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری حکومت کارگری " جمهوری سوسیالیستی " در دستور بوده است و میباشد!

اسناد و ادبیات و پراتیک زنده این حزب در طی یازده سال گذشته و از جمله برنامه یک دنیای بهتر خود بهترین و غیرقابل انکارترین اسنادی هستند که حزب جهت دستیابی به آرمان والای انسانی خود و رهایی بشریت بویژه در ایران و سازماندهی برای تغییر جامعه موجود ارائه داده است و عملا مشغول پراتیک کردن آن بوده و خواهد بود! در این رابطه میتوان به برنامه یک دنیای بهتر، برنامه حزب کمونیست کارگری مراجعه کرد تا بتوان به عمق اهداف کمونیستی و انسانی سیاستهای حزب که برای انسانها در تمامی وجوه زندگی و حق و حقوق فردی، مدنی و اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی در نظر دارد، پی برد.

در مدت این یازده سال تغییر و تحولات زیادی از لحاظ سیاسی و اجتماعی در ابعاد جهانی، منطقه ای و ایران انجام گرفته است. حزب کمونیست کارگری نیز همچنان حزبی سیاسی و اجتماعی خلاف جریان، روند رو به پیش خود را تحت رهبری و خط و جهت، فکری و سیاسی منصورحکمت طی نموده است و با انسجام هر چه بیشتر و مبدل شدن به حزبی سیاسی در روند اجتماعی شدن گام برداشته است و توانسته است از حزبی در حاشیه جامعه به متن جامعه ایران پای بنهد و به حزب سیاسی و منسجم جنبش کمونیسم کارگری و مطرح با جایگاه و موقعیت ویژه ای در جامعه ایران و منطقه مبدل بشود و چون پرچمدار کمونیسم در جامعه ایران شناخته بشود!

حکومت فاشیستی اسلام و اسلام سیاسی روند اضمحلال و سقوط و سرنگونی خود را آغاز کرده است و جنبش سرنگونی طلبی سیری رو به رشد را طی کرده است و روز به روز بیشتر گسترش می یابد. در این سیر و جنبش سرنگونی طلبی، جنبشها و جریانات و احزاب سیاسی و از جمله حزب کمونیست کارگری ایران به نسبت تاثیرات خاص خود را داشته اند. حزب کمونیست کارگری در این شرایط و اوضاع و احوال سیاسی در پیشاپیش جنبش سرنگونی طلبی قرار گرفته و بعنوان تنها حزب کمونیست و سیاسی پرچمدار " نه گفتن " و رادیکالیسم واقعی اجتماعی که با تمامی توان جهت سرنگونی حکومت اسلام میکوشد، در اذهان عمومی شناخته شده و مطرح می باشد.

در این مدت حزب کمونیست کارگری ایران شانه به شانه جنبشها و جریانات اصلی اجتماعی در داخل ایران و منطقه زده است. از لحاظ سیاسی و اجتماعی در افشاء و طرد آنان کوشیده است.

بعنوان تنها حزب کمونیستی که نمایندگی کمونیسم را در جامعه ایران می نماید شناخته شده می باشد و هر گاه در جدالهای سیاسی و اجتماعی اسمی از کمونیسم برده می شود، هدف حزب کمونیست کارگری ایران، میباشد و توانسته است نه تنها مارکسیسم و کمونیسم را در متن مسایل سیاسی جامعه ایران قرار بدهد، بلکه از لحاظ سیاسی، مبارزاتی و اجتماعی کمونیسم را در جامعه ایران چون نیرویی سیاسی تلاش برای "تامین حضور و دخالت مستقل سیاسی کمونیسم و کارگر" در متن معادلات قدرت سیاسی قرار بدهد و در جدال قدرت بعنوان یکی از قطبهای اصلی جامعه که جنبش کمونیسم کارگری و قطب چپ و جنبش برابری طلبی زنان جنبش سکولاریستی و مدرنیستی "رادیکالیسم اجتماعی" جامعه را نمایندگی میکند و آنرا در برابر و رو در روی دیگر جنبشهای اصلی و ارتجاعی قرار بدهد.

هدف حزب کمونیست کارگری ایران تامین حضور و دخالت مستقل کمونیسم و کارگر در معادلات قدرت سیاسی و برقراری جمهوری سوسیالیستی میباشد. این وضعیت و موقعیت بوجود آورده شده برای حزب باعث شده است که هر جریان و تشکلی که خواسته است و میخواهند که با گذشته چپ و مارکسیستی و کمونیستی خود تسویه حساب و آنرا به نفرین بکشند و به راست بچرخند تا مورد قبول جنبشهای ارتجاعی قرار بگیرند از قبیل خیل جماعت رنگارنگی که تصمیم گرفتند از در دفاع از قوم پرستی درآیند، کسانی که (استراتژی تمکین به بورژوازی "جنبش دوم خرداد" را در برابر استراتژی تخریب انقلابی توده های مردم بنیان نهاد و اکنون در برابر ناسیونالیسم کرد به کرنش افتاده است) و دل به دخالت بانک جهانی "به نفع طبقه کارگر"!! بستند و خود را در مقام مشاور کارفرماهای حریص کارگاههای کوچک قبت کردند، کسانی که شغل شریفشان پاپوش دوزی برای حزب کمونیست کارگری شد و سخنگویی وزارت اطلاعات رژیم اسلامی را داوطلبانه پذیرا شدند، همه دو خردادیهای درون و بیرون حکومت اسلامی، همه کسانی که کمونیسم و طبقه کارگر را از دخالتگری در سرنوشت جامعه برحذر داشته و می دارند و دل به حاشیه نشینی محفل کوچک خود بستند. آری همه این طیف متلون یکباره هویت خود را با دشنام و دشمنی و لجن پراکنی علیه حزب کمونیست کارگری تعریف و باز سازی کردند.

اکنون یازده سال از عمر پر افتخار حزب کمونیست کارگری ایران با پراتیک و سیاست و اهداف روشن طبقاتی و اجتماعی و در دست داشتن برنامه یک دنیای بهتر میگذرد. حزبی که اکنون در ایران همراه با رهبران اصلی بعنوان نماینده سیاسی کمونیسم و رادیکالیسم اجتماعی شناخته شده میباشد. اسم بردن از مارکسیسم و کمونیسم در ایران مانند دو جزء تفکیک ناپذیر رهبری کمونیستی زنده یاد منصور حکمت و حزب کمونیست کارگری را در اذهان عمومی تداعی می نماید!

به حزب کمونیست کارگری ایران بپیوندید!

شرایط سیاسی و اجتماعی ایران بطور حتم آستان تحولات عظیم اجتماعی است و حکومت اسلامی در شرف سرنگونی است و تمامی مقامات حکومت اسلامی خود بر این مسئله آگاه و واقف میباشند و راه هیچگونه بر و برگشتی جهت نجات این حکومت فاشیستی وجود ندارد. هیچگونه تئوری و جناحی نخواهد توانست آنرا از بن بست اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نجات بدهد و قطعاً سرنگون خواهد شد. در سیر این پروسه سرنگونی حکومت اسلامی اعتراضات و نارضایتی و جنبشهای عمومی اجتماعی رشد خواهند کرد و حزب و نیرویی سیاسی در این شرایط خواهد توانست که مهر سیاستها و تصمیمات آگاهانه خود را جهت سازماندهی و هدایت نارضایتیهای عمومی و حرکات اعتراضی اجتماعی " رادیکالیسم اجتماعی " بکوبد و آنرا به راست و چپ بنماید که سیاستها و اهداف آن عمومیت پیدا کرده باشد و رهبریش مورد اعتماد سیاسی و اجتماعی مردم " جنبش سرنگونی طلبی " قرار گرفته و به حزبی اجتماعی مبدل شده باشد که در دنیای واقعی و عملی هژمونی سیاسی اش در جنبش سرنگونی به شیوه های مختلف اعمال و مشخص و ملموس باشد.

حزب کمونیست کارگری ایران اکنون دارای این موقعیت ویژه است و با سیر روندی که تاکنون طی نموده است و با شناختی که جنبشهای رادیکال و پیشرو و اعتراضی " کارگران، زنان و جوانان " از آن دارند و تداعی شدن اهداف اجتماعی و سیاسی این حزب با رادیکالیسم درون جامعه ایران، مؤلفه هایی مثبت می باشند و زمینه مبدل شدن به حزب سیاسی مورد اعتماد و رهبری کننده اعتراض اجتماعی، در این روند سرنگونی حکومت اسلامی و مادیت بخشیدن به اهداف و استراتژی وجود دارد. از این رو بر هر فعال سیاسی کمونیست، کارگران کمونیست و پیشرو، رهبران عملی کارگری و هر انسان آزادیخواه و شریفی که برای خلاص شدن از شر کلیت موجودیت حکومت اسلامی که بانی تمامی مصیبتهای سیاسی و اجتماعی، فقر و فلاکت و ... می باشد و خواستار بنیاد نهاده شدن جامعه ای (برابر و آزاد از لحاظ " اقتصادی، سیاسی و اجتماعی " شاد و مرفه که انسان در آن با حرمت و شان در خور انسانی زندگی بکند، لازم است که به حزب کمونیست کارگری بپیوندند تا بتوان سیاستها و اهداف سیاسی، طبقاتی و اجتماعی این حزب را که اهدافی والا و انسانی می باشد " برقراری جمهوری سوسیالیستی " که خواست و آرزوی اکثریت قریب به اتفاق توده های مردم در ایران می باشد، در زمینه های متفاوت مادیت پیدا کند! زیرا حزب کمونیست کارگری ایران توان و آمادگی رهبری کردن و اداره جامعه در فردا روز بعد از سرنگونی حکومت اسلامی را دارد.

به این حزب بپیوندید و آنرا تقویت کنید.
